



درآمدی بر جایگاه روایات در روش‌شناسی تفسیر علامه طباطبائی

سعید بهمنی

مقدمه

امروز طرح مباحث روش‌شناسی در عرصه علوم انسانی و به ویژه در علوم دینی از ضروری‌ترین مباحث است. به نظر می‌رسد مباحث روش‌شناسی در کشور ما دچار نوعی توسعه‌نیافتگی است. این امر سبب شده رشد علوم انسانی در کشور سطح مورد انتظار را نداشته باشد و ما از ادبیات غنی و پرباری برای تولید علوم انسانی برخوردار نباشیم. یکی از عوامل اثرگذار بر پیشرفت علم در علوم انسانی و به ویژه در حوزه مطالعات دینی و قرآنی رونق گرفتن مباحث روش‌شناسی در این حوزه است. بی‌تردید گسترش مباحث روش‌شناسی در هر حوزه کمک شایانی به پیشرفت علم در آن حوزه خواهد کرد.

از سوی دیگر بحث در باره روش‌شناسی تفسیر علامه طباطبائی (ره) در اثر ارزشمند المیزان فی تفسیر القرآن از مهم‌ترین بررسی‌ها در این حوزه است. علامه طباطبائی (ره) به حق مجدد مدرسه تفسیر شیعه در دوره معاصر و احیاگر رویکرد تفسیر قرآن به قرآن است. روش تفسیری علامه روش تفسیر قرآن به قرآن نامیده می‌شود. با توجه به این رویکرد تفسیری که در آن خود قرآن، اصلی‌ترین محور تفسیر است، پس از بحث از چند و چون بهره‌مندی از قرآن در تفسیر قرآن، تعیین جایگاه روایات در این روش از جذاب‌ترین

و چالشی‌ترین مباحث به شمار می‌آید.

بنابراین بحثی که در این فرصت مطرح می‌شود از جهات متعدد ضروری، مهم و در عین حال جذاب و مفید خواهد بود. به طور کلی نگارش کتاب، مقاله و برگزاری نشست‌های متعدد و هر نوع فعالیت علمی در باره مباحث روش‌شناسی گام شایسته‌ای در جهت رشد و پیشرفت این مباحث در حوزه علمیه خواهد بود.

برای بحث در باره سطح و عمق، مبانی و بناهای رویکرد قرآن‌گرایی علامه در تفسیر و نسبت روش تفسیر قرآن به قرآن ایشان با مسئله جایگاه روایات در تفسیر قرآن کریم، نیازمند مطالعه و بررسی در چند حوزه هستیم. اولین مطلب بایسته بررسی آیاتی است که سخنان و سنت پیامبر اکرم (ص) و معصومان (ع) را معتبر دانسته است.

آراء مربوط به جایگاه روایات در تفسیر

در باره جایگاه روایات در تفسیر آراء متعددی قابل طرح است که بحث در باره «جایگاه روایات در تفسیر قرآن کریم» خواه در روش تفسیر به طور مطلق و یا در روش تفسیری خاص مستلزم اتخاذ مبنا در باره هر یک از آن است:

۱. قرآن‌بستگی مطلق قرآن در تفسیر یا استقلال قرآن در تفسیر،
۲. توقف مطلق تفسیر بر روایات،



۳. قرآن بسندگی در همه آیات به جز آیات قصص، احوال معاد و آیات الاحکام،

۴. تفسیر قرآن به قرآن و حجیت روایات در بیان آیات مشابه، اسرار، تأویل آیات، آیات احکام، احوال معاد، قصص. کسانی که قائل به استقلال قرآن در تفسیر یا قرآن بسندگی در تفسیر هستند لازم است، نسبت آن دسته از آیات فراوانی که قول پیامبر اکرم (ص) را اعتبار بخشیده در مقایسه با آیاتی که قرآن بر بی نیازی از هر چیزی دلالت دارد مشخص سازند.

آیه‌ای که برای تأیید قرآن بسندگی مورد توجه قرار گرفته‌شده:

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ؛ ما قرآن را که بیانگر هر چیز است بر تو نازل کردیم» نحل / ۱۶، ۸۹

آیاتی که بر حجیت روایات در تفسیر دلالت دارند: وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ و این قرآن را که وسیله یادآوری است به سوی تو نازل کردیم، تا برای مردم آنچه را که به سوی آنان نازل شده است بیان کنی» نحل / ۱۶، ۴۴

وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛ آنچه را که رسول خدا به شما پرداخت آن را بگیرید و آنچه شما را

از آن بازداشت از آن دست بردارید. حشر / ۵۹، ۷

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ اوست که در میان مردم عرب که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ پیامبری که آیات خدا را بر آنان تلاوت می‌کند و آنان را به وسیله کارهای شایسته و اخلاق نیکو رشد می‌دهد و قرآن و معارف آن را به ایشان می‌آموزد، و آنان قطعاً پیش از این در گمراهی آشکاری فرو رفته بودند. جمعه / ۶۲، ۲

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ و خدا و پیامبر را فرمان برید، باشد که مورد رحمت قرار بگیرید. آل عمران / ۳، ۱۳۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و کسانی که امر شما را در اختیار دارند و از خودتان هستند پیروی نمایید.» (نساء / ۴، ۵۹)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَىٰ الرَّسُولِ؛ و هنگامی که به آنان گفته می‌شود: به سوی آنچه (احکامی که) خدا فرو فرستاده و به سوی این پیامبر که بدانه حکم می‌کند بیایید، منافقان را می‌بینی که از تو سخت روی برمی‌تابند. نساء / ۴، ۶۱

وَ مَنِ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا؛ کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، با کسانی خواهند بود که خداوند آنان را از نعمت و ولایت خویش برخوردار ساخته است. آنان پیامبران و راستی‌پیشگان و گواهان اعمال و شایستگان مقام ولایت الهی اند و نیکو رفیقانی خواهند بود. نساء / ۴، ۶۹

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا؛ هر کس از پیامبر فرمان برد از خدا فرمان برده است، و هر کس روی برتابد تو اندوهگین مباش، زیرا ما تو را به عنوان نگهبان بر آنان نفرستاده‌ایم تا مسئول اعمالشان باشی و برای

روگردانی آنان مؤاخذه شوی. نساء / ۴، ۸۰

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اخْذُوا فِرَانًا تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا عَلَيَّا رَسُولُنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ و خدا را اطاعت کنید و از پیامبر فرمان برید و از پلیدی‌ها برحذر باشید. پس اگر روی برتافتید بدانید که برعهده فرستاده ما جز ابلاغ آشکار پیام تکلیفی نیست. مائده / ۵، ۹۲

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ؛ و چون به آنان گفته شود: به سوی آنچه خدا فرو فرستاده و به سوی پیامبر بیایید، می‌گویند: آنچه پدرانمان را برآن یافته‌ایم ما را بس است. آیا در هر حال از راه و رسم پدرانمان پیروی می‌کنند، هرچند پدرانشان خود چیزی نمی‌دانستند و از

سوی کسی نیز هدایت نشده بودند. مائده / ۵، ۱۰۴

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ مؤمنان کسانی‌اند که از این فرستاده، پیامبر درس ناخوانده که اهل کتاب او را نزد خود با همین نام و نشان در تورات و انجیل نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند. می‌یابند که آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند بازشان می‌دارد و پاکیزه‌ها را برای آنان حلال و پلیدی‌ها را بر آنان حرام می‌کند، و بار گرانشان را از دوششان برمی‌دارد و بندها و زنجیرهایی





را که بر آنان تحمیل شده است از آنان فرو می‌گذارد. پس کسانی که به او ایمان آورده و او را بزرگ داشته و یاری‌اش کرده‌اند و از قرآن، این کتاب روشنگری که از جانب خدا نازل شده و قرین او و گواه راستگویی اوست پیروی نموده‌اند آنان نیکبخت خواهند بود. أعراف/ ۷،

۱۵۷

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ بگو: خدا را اطاعت کنید و از فرستاده‌اش فرمان برید. پس اگر روی گردانید و پیامبر را فرمان نبردید، به وی زبانی نمی‌رسد، چرا که فقط بر عهده اوست آنچه بدان تکلیف شده است و بر عهده شماست آنچه بدان تکلیف شده‌اید و اگر از پیامبر فرمان برید، هدایت خواهید یافت، و بدانید که بر رسول خدا جز ابلاغ آشکار پیام و وظیفه‌ای نیست. نور/ ۲۴، ۵۴

وَ أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید و حکم پیامبر را اطاعت کنید، امید است که مورد رحمت خدا قرار گیرید و وعده جانشین شدن در زمین و تشکیل جامعه‌ای بر پایه دین اسلام بی ترس از دشمنان، برای شما تحقق یابد. نور/ ۲۴، ۵۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از پیامبرش فرمان برید و به جنگ با دشمنان دین برخیزید و کارهای پسندیده خود را با کوتاهی در امر جهاد تباه نکنید. محمد/ ۴۷، ۳۳

الَّذِينَ تَرَى إِلَى الَّذِينَ نُهَوْا عَنْ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهَوْا عَنْهُ وَ يَتَّبِعُونَ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانَ وَ مَعْصِيَةَ الرَّسُولِ وَ إِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَ يَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُ لَهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلُّونَهَا فَيَبْسُ الْمَصِيرُ؛ آیا به کسانی ننگریسته‌ای که از نجوا کردن نهی شده‌اند ولی هنوز از این کار باز نایستاده‌اند و پیوسته به آنچه از آن نهی شده‌اند باز می‌گردند؟ آنان درباره گناه و تجاوز به حقوق مردم و سرپیچی از فرمان‌های پیامبر با یکدیگر نجوا می‌کنند، و هنگامی که نزد تو می‌آیند با چیزی بر تو

سلام می‌کنند که خدا با آن بر تو سلام نکرده است، و در آن حال با خود می‌گویند: اگر او پیامبری بر حق است چرا خدا ما را به سبب آنچه به او می‌گوییم و این گونه اهانتش می‌کنیم عذاب نمی‌کند؟ بدانند که دوزخ برای آنان بس است که به آن درمی‌آیند و به آتشش می‌سوزند و آن بد بازگشتگاهی است. مجادلة/ ۵۶، ۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَنَاجُوا بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ مَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَ تَنَاجُوا بِالْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ اما شما ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با یکدیگر نجوا می‌کنید، از روی آوردن به گناه و تجاوز به حقوق مردم و سرپیچی از دستورات رسول خدا سخن مگوئید، بلکه در نجواهایتان از گرایش به کارهای پسندیده و رعایت تقوا سخن به میان آورید و از خدا که به سوی او محشور می‌شوید پروا بردارید. «مجادلة/ ۵۶، ۹ کسی که حجت بودن روایات در تفسیر قرآن را پذیرفته لازم است سه مسئله را بررسی کرده و به پرسش‌های مربوط پاسخ دهد. این مسائل و پرسش‌ها عبارتند از:

۱. حجت بودن روایات برای مطلق آیات یا برای آیاتی خاص: اگر معتقد به حجت بودن روایات برای تفسیر قرآن هستیم، گستره حجت بودن تا کجاست؟ روایات به طور مطلق حجت هستند یا فقط در عرصه خاصی نیازمند روایات هستیم؟

۲. گستره آیات نیازمند روایات: اگر حجیت روایات را در گستره خاصی می‌دانیم این گستره کدام است؟ به دیگر سخن، برای تفسیر کدام آیات می‌توان به سنت مراجعه کرد؟
۳. اعتبارسنجی روایات تفسیری: هر صورت، چه نوع سنتی و با چه سطحی از اعتبار در تفسیر قرآن حجیت دارد؟ پرسش‌هایی در باره جایگاه روایات در روش‌شناسی تفسیر علامه طباطبائی

برای بررسی جایگاه روایات در روش‌شناسی تفسیر علامه طباطبائی (ره) لازم است به چند پرسش پاسخ داده شود: یکم: روش تفسیری علامه که روش تفسیر قرآن به قرآن نامیده می‌شود، چگونه با اعتبار حدیث در تفسیر قرآن قابل جمع است؟

دوم: نیاز به روایات در تفسیر چه گستره‌ای دارد؟ سوم: برای تفسیر در گستره مورد نظر به چه روایاتی و با چه سطحی از اعتبار می‌توان تکیه کرد؟

